

نامه‌ها بر نامه‌ها

ابوالفضائل

حضرت علامه حسن زاده آملی



فَشْرَ أَلْفِ . لَامِ . مِيمِ

نام کتاب نامه ها برنامه ها

مؤلف حضرت علامہ حسن زادہ آملی

فاشر الف لام ميم

نوبت چاپ دوم - تابستان ۱۳۸۶

قلم جاب

تبرائ ۵۰۰ نسخہ

تعداد صفحات ۲۹۶

قیمت ۲۳۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۹۵۶۲۵-۱-۶ ISBN: 964 - 95625 - 1 - 6

مرکز بخش:

قم/خیابان ارم/پاساژ قدس/پلاک ۸۴ - تلفن: ۷۷۳۹۵۲۵

نامه ایست که برای دوستی نوشتیم:

باسمه تعالی شأنه

انیس سَفَری و جلیس خَضَری برادر اکبرم: اصغر بن سلیمان خَضَری سلام الله تعالی
علیکم و علینا و علی عباد الله الصالحین.

صبحی که صَبَحَکُم اللهُ بالخیر از این بی خبر بی خیر التماس دعا داشتی آنچنان که در
شوره زار دلم تخم محبت را کاشتی. از دیوانه چه آید تا راهنمایی را شاید؟ از
ویرانه چه امید آبادی رود؟ و از پژمان چه شکفتگی و شادی ساخته شود؟
اگر چه گفته اند گنج در ویرانه است ولی هر ویرانه را گنج نیست و در آنجا که
گنج است یافتنش بی رنج نیست.

الحمد لله نعمت بیداری یافتی که ندانم روی از چه تافتی که در بهار عمر به منای
دوست شتافتی؟! آری:

در جوانی کن نثار دوست جان رو عوان بین ذلک را بخوان
پیر چون گشتی گران جانی مکن گوسفند پیر قربانی مکن^۱
قربان حقیقت که تا بیدار شدی در راه دیدار شدی. با تضرع و ادب در پیشگاه
دوست معروض دار که:

نیری زدی و زخم دل آسوده شد از آن هان ای طیب خسته دلان مرهم دگر
و با التماس بخواه که: «رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ

۱. مثنوی نان و حلوا، شیخ بهائی.

انت الوهاب^۱.

این فیض عظیم را از انفاس قدسی شهرالله المبارک در لیلۃ الجوائز جائزه گرفته‌ای. هنیئاً لاریاب النعیم نعیمهم.

باری بیمار بیدار پیش از آن که دست از جان بشوید و منادی حق را لیک بگوید، طیب طلبد و درد خویش را بدو گوید و درمان جوید. از این بنده شرمنده طیب خواستی و راه چاره جستی، بسان آن تشنه که در طلب آب به دنبال سراب شتافت تا چون رسید جز حرمان چیزی ندید و نیافت «کسراب بقیعة یحسبه الظمان ماء حتی إذا جاءه لم یجده شیئاً»^۲.

برادرم نعمت بیداری روزی هر بی سروپا نمی‌شود، و این پیک کوی وفا با هر دلی آشنا نمی‌گردد، و هر مشامی این نسیم صبا را بو یا نمی‌شود، و هر زبانی به ذکر آن گویا نمی‌گردد. بیداری می‌تلخ و ش است، با هر کامی سازگار و گوارا نیست چه أم الخبائث است هر که آن را نوشیده است بلکه اندکی از آن چشیده است از مشتهیات نفسانی حتی از حور و غلمان چشم پوشیده است و دست کشیده است، آری:

آن تلخ و ش که صوفی أم الخبائثش خواند

اشهی لنا و احلی من قبلۃ العذاری^۳

حالا که آمدی گویمت: «واستقیم کما أمرت»^۴ که: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ

۱. آل عمران/۹

۲. نور/۴۰

۳. دیوان حافظ.

۴. شوری/ ۱۶



استقاموا تنزل عليهم الملائكة...^۱

چه خواهی که نداری و برای تو نیست؟ اگر طالب مقام محمودی: ﴿ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى أن يمتنك ربك مقاماً محموداً﴾^۲. اگر عاشق مواقف شهودی: ﴿أو لم يكف بربك أنه على كل شيء شهيداً﴾^۳. اگر دستور العمل خوراک خواهی الحمد لله همه ما در سر سفره عالم غیر معلمیم، می دانیم که چه کاره ایم احتیاج به دستور نداریم. شیخ اجل سعدی گوید: «حکیمان دیر دیر خورند، و عابدان نیم سیر، و زاهدان تا سد رمق، و جوانان تا طبق برگیرند، و پیران تا عرق کنند، اما قلندران چندان که در معده جای نفس نماند و بر سفره روزی کس».

جوانا خدا پیرت کناد بین تا از کدامین صنفی؟ خدای عزوجل فرماید: ﴿وكلوا و اشربوا و لا تسرفوا انه لا يحب المسرفين﴾^۴.

آخر سوره مبارکه فرقان از ﴿وعباد الرحمن﴾ تا پایان آن را بخوان و نصب العین خود گردان، ﴿لعل الله يحدث بعد ذلك أمراً﴾^۵.

کتمان را تشدید کن و پیمان را تسدید. مواظب مراقبت باش و مراقب حضور و عبادت تا عبدالله شوی و عندالله شوی و مشمول کریمه: ﴿ان المتقين في جنات و نهر في مقعد صدق عند مليك مقتدر﴾^۶ گردی.

مردی به آفتاب یمنی، اویس قرنی گفت: مرا اندرزی کن، آن جناب گفت: فر

۱. فصلت/۳۱

۲. اسراء/۸۰

۳. فصلت/۵۴

۴. اعراف/۳۲

۵. طلاق/۲

۶. قمر/۵۷

إلى الله. این کلام کامل را از کتاب الله اقتباس کرد که نوح نبی عليه السلام به مردم فرمود:

﴿فَقِفُوا إِلَى اللَّهِ﴾^۱. آری سخن از قرآن باید آموخت و دهن از فرقان باید گرفت.

يَكُ نَفْسٍ از نَفْسِ ایمن مباش که دشمنی سخت رهن و رهنی سخت دشمن است. همواره در کمین است و اقتضای طبیعتش این است. از شهوت و از شهرت پرهیز و از معاشر ناجنس بخصوص از نفس بگریز که:

نخست موعظه پیر می‌فروش این است که از معاشر ناجنس احتراز کنید دائماً طاهر باش و به حال خویش ناظر باش و عیوب دیگران را سائر باش. با همه مهربان باش و از همه گریزان باش. یعنی با همه باش و بی همه باش. خداشناس باش در هر لباس باش. تو که سلیمان‌زاده‌ای حشمت دار، تو که صدیق حسن‌زاده‌ای وحشت دار.

قرآن صورت کتبیّه انسان کامل - اعنی حقیقت محمدیه صلی الله علیه و آله است بین تا چه اندازه بدان قرب داری. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْذِبَةُ اللَّهِ^۲ بَنَگَرِ بهرات از این مأذبه تا چه حد است.

ولی الله اعظم امام اول عليه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه اندرز همی کرد که: درجات بهشت به عدد آیات قرآن است و در رستاخیز به قاری قرآن گویند بخوان و بالا برو، و بعد از نبین و صدیقین کسی در بهشت به رتبت وی نیست.

واعلم أن درجات الجنة على عدد آيات القرآن فإذا كان يوم القيامة يقال لقارئ القرآن اقرأ وأرق فلا يكون في الجنة بعد النبيين والصدّيقين أرفع درجة منه.^۳ این

۱. ذاریات/۵۱

۲. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۶۸، باب وجوب تعلم القرآن و التعلیم.

۳. وافی، ج ۱۴، ص ۶۵، ط رحلی.



بیان وصی چون آن کلام نبی بسیار کوتاه و بلند است، خدای متعالی داند که ارزش آنها چند است.

از آمل چشم پوش و در عمل کوش. مرد جستجوی باش نه گفتگوی. از دریا بخواه نه از جوی. از فضول کلام چون فضول طعام دست بدار. سبکبار باش نه سبکسر و سبکسار. خروس در سحر به ذکر قدوس^۱ سبوح^۲ در خروش است، کم از خروس مباح، چون به خروش آمدی بدان که بهترین عطای دوست لقای اوست، مترصد باش که:

گدایی گردد از یک جذبۀ شاهی به یک لحظه دهد کوهی به کاهی^۱
این چند جمله بالعجاله تحریر شد. اگر مجال شد و حال مساعد شد، و عقل را در آنگاه تدبیر بود، و رأی منیر پیر عشق امضاء کرد، و تقدیر قضاء موافق آمد می توان کلماتی بر آن افزود، تا ببینیم. ولی برادرم تو را حال است و مرا مقال، این کجا و آن کجا؟ تو را سوز است و مرا ساز آن کوه است و این صدا، قصه این کوتاه است و آن دراز.

بین کار به کجا کشید که کلاغی رهبر شد و چلاقی دستگیر، جفدی سخنور شد و پشهای دلیر، نعوذ بالله من سبات العقل و خفته^۲.

والسلام علی من اتبع الهدی

قم - حسن حسن زاده آملی

جمعه ۹ شوال ۱۳۸۹ هـ ق = ۱۳۴۸/۹/۲۸ هـ ش

۱. گلشن راز.

۲. نهج البلاغه، ص ۳۴۶.